

اثربخشی برنامه مداخله ای ویژه کودکان طلاق بر بهبود خود پنداره و افزایش تاب آوری کودکان

علی مشهدی^۱، سیده عاطفه حسینی یزدی^{۲*}، زهرا عاصمی^۳، سید علی کیمیایی^۴

۱) دانشیار دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه فردوسی مشهد

۲) کارشناس ارشد روانشناسی بالینی، مدرس دانشگاه پیام نور کاشمر

۳) دانشجوی دکتری روانشناسی، پیام نور تهران

۴) استادیار دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه فردوسی مشهد

*نویسنده مسوول: s_a_hoseini_y@yahoo.com

تاریخ دریافت مقاله ۹۴/۱/۲۰ تاریخ آغاز بررسی مقاله ۹۴/۲/۱۹ تاریخ پذیرش مقاله ۹۴/۴/۵

چکیده

طلاق یکی از استرس زاترین رویدادهای زندگی والدین و کودکان است. طلاق والدین مجموعه وسیعی از تغییرات و سازماندهی های مجدد خانواده است که در طول زمان بر سازگاری کودک تاثیر میگذارد. هدف از پژوهش حاضر، بررسی اثربخشی برنامه مداخله ای ویژه کودکان در خانواده های طلاق بر بهبود خودپنداره و افزایش تاب آوری کودکان طلاق ۱۰ تا ۱۲ سال بود. روش تحقیق: بدین منظور ۲۵ کودک از خانواده های طلاق انتخاب شدند و بطور تصادفی در دو گروه آزمایش (۱۳ نفر) و گروه کنترل (۱۲ نفر) گمارده شدند. پس از اجرای ۱۵ جلسه برنامه مداخله ای ویژه کودکان طلاق دو پرسشنامه SEARS و CSCS بصورت پیش ازمون و پس ازمون اجرا شد. یافته ها: تجزیه و تحلیل داده ها نشان داد که برنامه مداخله ای ویژه کودکان طلاق باعث ایجاد تغییر در خودپنداره کودکان در خانواده های طلاق نمیشود اما تاب آوری آنها را افزایش می دهد. این افزایش تاب آوری، در دختران بیشتر از پسران مشاهده شد. نتیجه گیری: بنابراین توجه به مداخلات گروهی و آموزش مهارتهای حل مسئله در برخورد کودکان با مسئله طلاق از جایگاه ویژه ای برخوردار است.

کلید واژگان: برنامه مداخله ای ویژه کودکان در خانواده های طلاق، خودپنداره، تاب آوری، کودکان خانواده های طلاق

مقدمه

می دهد. طلاق والدین غالباً مشکلات اقتصادی، اجتماعی و روانی به همراه دارد. چنین تغییراتی باعث می شود کودکان، احساسات عصبانیت، خشم، گناه، ناراحتی، ترس و مشکلات انطباقی را تجربه کنند (گویدبالدی^۳، کلیمینشا^۴، پری^۵ و مک لوگین^۶، ۲۰۱۰، ص ۳۰۴). کودکان در خانواده های طلاق در معرض خطر بالاتری برای پیامد های ناسازگارانه از قبیل شکست تحصیلی، مشکلات رفتاری، سازگاری روانی ضعیف، خود پنداره پایین و کاهش توانمندی اجتماعی قرار دارند (آماتو، ۲۰۰۱، ص ۳۶۲). این کودکان در مقابل فشارهای گروهی

طلاق^۱، یکی از عمده ترین رویداد های استرس زائی است که کودکان و نوجوانان با آن مواجه می شوند، و از طریق مکانیسم های چندگانه ای می تواند بر روی کودکان تاثیر بگذارد که شامل: فرزند پروری نامناسب، مواجهه با تعارض های والدین و مواجهه با رویداد های متوالی و تغییرات استرس زای دیگر میشود (آماتو^۲، ۲۰۰۰، ص ۱۲۷۹). آمار ارائه شده از سوی مرکز آمار ایران (۱۳۹۱) اعلام میکنند که از هر ۴ ازدواج یک ازدواج به طلاق ختم می شود و بیشتر این طلاقها نیز در ۴ سال اول زندگی رخ

4-Cleminshaw, H. K.
5-Perry, J. D.
6- Mcloughin, C. S.

1-Divorce
2- Amato, P.R.
3- Guidubaldi, J.

هر ساله تعداد زیادی از کودکان ، انحلال ازدواج والدین خود را تجربه می کنند و بایستی مجموعه تغییرات زندگی و سازگاری های جدید هیجانی را تحمل کنند . برنامه مداخله ای ویژه کودکان طلاق بر مبنای آگاهی از خطرات طلاق برای کودکان طراحی شده است (لیندا و دیگران ، ۲۰۰۷ ، ص ۵۸۳).

این برنامه یک پیشگیری مداخله ای است که بر عوامل حمایتی مرتبط با تاب آوری در کودکان بعد از طلاق تمرکز دارد ، اهداف اولیه این برنامه مداخله ای این است که محیط گروهی حمایتگری بسازد که کودکان بتوانند در آن ، پیوند های مشترک ایجاد کنند و مهارت هایی که ظرفیت آنان را برای مقابله با تغییرات استرس زای طلاق افزایش دهد، کسب کنند (پدرو کارول و آلبرت گیلیس، ۱۹۹۷، ص ۱۶). این پژوهش بر آن است تا تاثیر اجرای برنامه مداخله ای ۴ مرحله ای ویژه کودکان در طلاق را بر خود پنداره و افزایش تاب آوری کودکان در خانواده های طلاق بررسی کند.

روش

طرح پژوهش حاضر ، پیش آزمون- پس آزمون باگروه کنترل میباشد . جهت نمونه گیری برای این پژوهش ، آمار فراوانی پرونده های طلاق ۳ سال اخیر از شعبه دوم دادگاه حقوقی شهرستان کاشمر دریافت شد ، جامعه آماری ، ۱۴۳ نفر بود که حجم نمونه به صورت داوطلبانه از کودکان ۸ تا ۱۲ ساله این خانواده هاو به روش نمونه گیری در دسترس ، تعداد ۲۵ آزمودنی ، به صورت همتاسازی انتخاب شده و سپس به صورت تصادفی در هر گروه جایگذاری شدند.

شرایط ورود به نمونه پژوهش عبارت بودند از : بین ۸ تا ۱۲ سال سن داشته باشند . والدین آنان ، طلاق قانونی

همسالان، رفتار جراتمندانه کمتری از خود نشان میدهند(نجاتی ، ۱۳۹۰ ، ص ۳۴). افت عملکرد تحصیلی، کندی یا تحریک روانی حرکتی شدید ، احساس درماندگی از پیامدهای طلاق والدین در کودکان می باشد(یزدی، ۱۳۹۰ ، ص ۵۴). در یکی از تحقیقات که بر روی صد کودک طلاق صورت گرفته است برخی از پیامدهای بد طلاق بر کودکان از منظر خود آنان مشخص شده است. این پیامدهای ناگوار عبارتند از: ناراحتی از اشکال در ایجاد روابط پایدار با دیگران (۳۴ درصد)، احساس اندوه مداوم (۲۹ درصد)، تاثیر بد در تحصیل (۴۴ درصد) ، احساس عدم امنیت (۲۵ درصد)، عدم اعتماد به نفس (۱۷ درصد)، کاهش تعداد اقوام و آدمهای مهم (۱۴ درصد)، علائم جسمانی، افسردگی و مشروبخواری زیاد (۲۴ درصد) (زارعی، ۱۳۹۰ ، ص ۱۲).

خود پنداره^۱ و سازه ی تاب آوری روانشناختی، متغیر های شخصیتی هستند که در ادبیات روانشناسی جدید به نوع خاصی می تواند مورد ارزیابی قرار بگیرد . خود پنداره الگویی سازمان یافته و پایدار از ادراکات رایج می کند که با تجربه فرد و تفسیر دیگران از آن تجربه شکل میگیرد و متحول میشود (دیهل و های آ، ۲۰۱۰، ص ۱۱۳۹). ضمن این که خود پنداره افراد تاب آور با افرادی که تاب آوری ندارند متفاوت است (گوردون^۲، ۱۹۹۶، ص ۶۹) . همچنین، تاب آوری با وضعیت سلامت جسمی و روانی فرد مرتبط است (کانر^۳ و دیویدسون^۴ ، ۲۰۰۳، ص ۷۹). تحقیقات نشان داده که افراد تاب آور در هنگام مواجهه با فشارهای روانی از سبکهای مقابله ای موثرتری استفاده میکنند و چون طرحواره های ذهنی انعطاف پذیرتری دارند بطور انطباقی موقعیت را پردازش و با آن کنار می آیند (ماکینگانکاس^۵ و کینان^۶، ۲۰۰۴؛ به نقل از سید محمودی و دیگران ، ۱۳۹۰ ، ص ۸).

14- Davidson , J.R.
6-Makikangas, A
2- Kinnunen, U.

1- Self-Concept
Diehl , M. Hay, E -2
12- Gordon , K.
Conner , K.M.4-

گرفته باشند و کودک بایک والد زندگی کند . از طلاق والدین ، بیش از ۳سال نگذشته باشد.

ابزارهای پژوهش

مقیاس خودپنداره کودکان پیرزه‌ریس^۱ (CSCS)

این مقیاس هشتاد سوالی جهت سنجش میزان خودپنداره کودکان و نوجوانان طرحریزی شده است و در جهت نگرش احساس فرد نسبت به خود خلاصه می شود و بصورت فردی و برای کودکان و نوجوانان ۸ تا ۱۸ سال اجرا می گردد و ۶ دسته مقیاس را شامل می شود که عبارتند از : رفتار (۱۶سوال) ، وضعیت مدرسه و وضعیت شناختی و ذهنی (۱۷سوال) ، ظاهر و ویژگی های ظاهری (۱۶سوال) ، اضطراب (۱۴سوال) ، محبوبیت (۱۱سوال) ، شادی و خرسندی (۱۰سوال) . تمام خوشه ها در جهت خودپنداره مثبت نمره گذاری می شوند ، بطوری که نمره بالا در مقیاس کل و هر کدام از خوشه ها نشان دهنده سطح بالای خودپنداره است (بیات مختاری و اخوان تفتی ، ۱۳۸۱، ص ۱۱) .

برای کسب روایی آزمون ، پیرز (۱۹۶۵)، ۵۷ دختر عادی کلاس چهارمی را ارزیابی نموده و همبستگی آن را با نمره های درجه بندی معلمان از این دانش آموزان ۴۱ درصد گزارش کرد . همچنین همین روش را در مورد پسران دانش آموز بکار برد و ضریب ۴۹درصد را بدست آورد (کریمی ، ۱۳۷۵) . در فرمیابی مقیاس پیرزه‌ریس در استان کرمان ، ضریب های روایی بین ۳۹ درصد تا ۵۹ درصد و ضریب پایایی ۹۲درصد گزارش شده است (اسدی ، ۱۳۷۴، ص ۱۹) .

مقیاس توانمندی های اجتماعی – هیجانی و تاب آوری^۲ (SEARS)

این مقیاس یک سیستم ارزیابی مبتنی بر نقاط قوت است که برای ارزیابی خصوصیات و مهارتهای اجتماعی –

هیجانی مثبت کودکان و بزرگسالان (مثل خود تنظیمی، بینش و توانمندی اجتماعی و هیجانی، حل مسئله، همدلی) طراحی شده است . این مقیاس ۵۲ سوال و چهار زیر مقیاس دارد . این چهار مقیاس عبارتند از : خودتنظیمی (۲۲ سوال) ، توانمندی اجتماعی (۱۳ سوال) ، همدلی (۶ سوال) و مسئولیت پذیری (۱۱ سوال) . فرم کوتاه این سیستم اطلاعاتی چندگانه فقط ۱۲ آیتم دارد (دورنر^۳، کای^۴، نسه^۵، مرل^۶ و رومر^۷، ۲۰۱۱) .

دورنر و همکارانش (۲۰۱۱) این پرسشنامه را بر روی ۱۴۰۰ کودک و نوجوان اجرا کردند و ضرایب پایایی آزمون – پس آزمون (در فاصله زمانی دو هفته) برای فرم کودک ۰/۸۱ گزارش کردند و روایی آزمون را بین ۶۷ تا ۷۲ درصد گزارش کردند . حسینی یزدی و مشهدی (۱۳۹۲) برای مطالعه تاب آوری کودکان ۸ تا ۱۳ ساله طلاق ، به منظور تعیین اعتبار و روایی این پرسشنامه ، آن را بر روی گروه واحد در دو زمان مختلف اجرا کردند و روایی و اعتبار آن را به دست آوردند . ضریب اعتبار درونی (آلفای کرونباخ) همه زیر مقیاسها ۰/۷۸ اعلام شده است . همچنین با روش آزمون – باز آزمون ، طی دو بار اجرای به فاصله یک ماه بر روی یک نمونه ۲۳ نفری ، ضرایب همبستگی برای زیر مقیاس ها به شرح زیر گزارش شده است :

خودتنظیمی = ۰/۷۷

توانمندی اجتماعی = ۰/۸۳

همدلی = ۰/۷۶

مسئولیت پذیری = ۰/۸۹

شیوه اجرا

پس از اجرای پیش آزمون دو پرسشنامه مقیاس تاب آوری و مقیاس خودپنداره ، جلسات دو روز در هفته و طی ۸ هفته متوالی برگزار گردید . پس از اجرای ۱۵ جلسه ۴۵ دقیقه ای برنامه مداخله ای ویژه کودکان طلاق ، مطابق

5- Nese, R .
6- Merrell, K.
7- Romer, N.

1- Piers-Harris Children`s Self-Concept Scale
2- Social-Emotional Assests and Resilience Scale
3- Doerner, E.
4- Kaye, N.

کودک با والدش تاکید میکند. مسائل مرتبط با طلاق (مثلا خیالپردازی درباره بازگشت مجدد والدین، احساسات طردشدن)، برجسته می شوند. کاربرد بیشتر مهارتهای حل مسئله در مشکلات مرتبط با طلاق تشویق می شود. جلسات ۱۵-۱۳ با برداشتهای کودکان از خود و خانوادشان سروکار دارد و درصدد اینست که عزت نفس کودکان را افزایش دهد و آگاهی آنها از تغییرات خانوادگی مثبت را بالا برد.

یافته ها

الف (برای بررسی تاثیر برنامه مداخله ای ویژه کودکان طلاق بر خودپنداره و تاب آوری کودکان طلاق، ابتدا همسانی گروههای آزمایش و کنترل در هر دو متغیر بررسی شد و یکسانی واریانس خودپنداره و تاب آوری در هر دو گروه کنترل و آزمایش ثابت شد. سپس میانگین نمرات دو متغیر در پیش آزمون و پس آزمون بررسی شد:

دستورالعمل ، مجددا پس آزمون بعمل آمد و داده های بدست آمده جهت ارزیابی اثربخشی مقایسه شدند. همزمان یک گروه کنترل از کودکان در خانواده های طلاق نیز در دسترس بودند که همراه با درمانگر در روزهای متفاوت از گروه آزمایش به بازی و فعالیتهای روزمره پرداختند . برای این گروه نیز همان پرسشنامه ها بصورت پیش و پس آزمون اجرا شد . ۲۰ روز پس از اجرای پس آزمون ، جهت پیگیری نتایج ، بازآزمون بعمل آمد. ۱۵ جلسه ای که برای گروه آزمایش برگزار شد مختصرا بدین شرح است: جلسه ۱ تا ۴ معرفی کودک به گروه، ایجاد یک محیط امن و حمایتگر، بررسی واژگان هیجانی کودکان، روشن سازی مفاهیم احساسی ، توضیح مفهوم خانواده، موضوع طلاق و کشف احساسات کودکان در مورد طلاق؛ جلسات ۵-۹ به شفاف سازی مفهوم "مشکل" و "راه حل"، شفاف سازی رابطه بین مشکلات و احساسات، و گسترش تواناییهای مقابله ای کودکان از طریق آموزش حل مسئله به آنها میپردازد؛ جلسات ۱۰-۱۲ کاوش احساسات کودک درباره طلاق را ادامه میدهد، بر روابط

جدول ۱. میانگین خودپنداره و تاب آوری در پیش آزمون و پس آزمون برای دو گروه کنترل و آزمایش

گروه	تعداد	انحراف استاندارد	میانگین
پیش آزمون خودپنداره	آزمایش	۱۳	۱۲,۲۱
	کنترل	۱۲	۱۳,۲۶
	کل	۲۵	۱۲,۵۱
پس آزمون خودپنداره	آزمایش	۱۳	۱۲,۲۳
	کنترل	۱۲	۱۲,۴۴
	کل	۲۵	۱۲,۰۸
پیش آزمون تاب آوری	آزمایش	۱۳	۱۹,۰۹
	کنترل	۱۲	۱۸,۹۹
	کل	۲۵	۱۸,۸۰
پس آزمون تاب آوری	آزمایش	۱۳	۱۸,۸۲
	کنترل	۱۲	۱۸,۴۷
	کل	۲۵	۱۸,۳۲

جدول ۲. آزمون تحلیل واریانس یک طرفه با اندازه های مکرر برای خودپنداره

اثرات	آماره F	درجه آزادی ۱	درجه آزادی ۲	سطح معنی داری
عامل درون گروهی (زمان)	۲,۴۴	۱	۲۳	۰,۱۳
عامل بین گروهی (کنترل، آزمایش)	۰,۰۹	۱	۲۳	۰,۷۶
اثر متقابل دو عامل	۳,۲۰	۱	۲۳	۰,۰۸

جدول ۳. آزمون تحلیل واریانس یک طرفه با اندازه های مکرر برای تاب آوری

اثرات	آماره F	درجه آزادی ۱	درجه آزادی ۲	سطح معنی داری
عامل دورن گروهی (زمان)	۱۳,۵۷	۱	۲۳	۰,۰۰۱
عامل بین گروهی (کنترل، آزمایش)	۰,۸۲	۱	۲۳	۰,۳۷
اثر متقابل دو عامل	۲۳,۴۰	۱	۲۳	۰,۰۰۰

جدول ۴. میانگین خودپنداره و تاب آوری در پیش آزمون و پس آزمون برای دو گروه دختر و پسر

گروه	تعداد	انحراف استاندارد	میانگین
خودپنداره پیش آزمون	۱۳	۸,۲۵	۴۱
پسر	۱۲	۱۳,۸۶	۵۲,۵
کل	۲۵	۱۲,۵۱	۴۶,۵۲
خودپنداره پس آزمون	۱۳	۸,۷۱	۴۲,۱۵
پسر	۱۲	۱۳,۲۳	۵۲,۵
کل	۲۵	۱۲,۰۸	۴۷,۱۲
تاب آوری پیش آزمون	۱۳	۱۳,۴۹	۹۲,۲۳
پسر	۱۲	۲۲,۳۷	۱۰۳,۵
کل	۲۵	۱۸,۸۰	۹۷,۶۴
تاب آوری پس آزمون	۱۳	۱۵,۹۸	۹۵,۰۷
پسر	۱۲	۲۱,۲۱	۱۰۳,۹۱
کل	۲۵	۱۸,۸۲	۹۹,۳۲

جدول ۵. آزمون تحلیل واریانس یکطرفه با اندازه های مکرر برای خودپنداره با در نظر گرفتن متغیر تعدیل کننده جنسیت

اثرات	آماره F	درجه آزادی ۱	درجه آزادی ۲	سطح معنی داری
عامل درون گروهی (زمان)	۲,۳۹	۱	۲۳	۰,۱۳
عامل بین گروهی (پسر، دختر)	۲,۳۹	۱	۲۳	۰,۰۲
اثر متقابل دو عامل	۲,۳۹	۱	۲۳	۰,۱۳

جدول ۶. آزمون تحلیل واریانس یک طرفه با اندازه های مکرر برای تاب آوریبا در نظر گرفتن متغیر تعدیل کننده جنسیت

اثرات	آماره F	درجه آزادی ۱	درجه آزادی ۲	سطح معنی داری
عامل درون گروهی (زمان)	۸,۴۶	۱	۲۳	۰,۰۰۸
عامل بین گروهی (پسر، دختر)	۱,۸۵	۱	۲۳	۰,۱۸
اثر متقابل دو عامل	۴,۶۹	۱	۲۳	۰,۰۴

در پس آزمون بیشتر باعث افزایش شده است. بنابراین با اطمینان ۹۵ درصد می توان گفت: برنامه مداخله ای ویژه کودکان طلاق باعث تغییر تاب آوری در کودکان گروه آزمایش در مقایسه با گروه کنترل می شود.

ب) همچنین برای سنجش تاثیر جنسیت در بهبود خودپنداره و تاب آوری پس از اجرای برنامه ، به بررسی همسانی گروهها نیاز بود که از تحلیل واریانس با اندازه گیری های مکرر (ANOVA with repeated measure) و آزمون لوین برای بررسی همسانی واریانسها استفاده شد و مشخص شد که واریانس خودپنداره و تاب آوری در هر دو گروه پسر و دختر یکسان است.

جدول ۴ نشان میدهد که هر دو میانگین خودپنداره و تاب آوری دختران طلاق هم در پیش آزمون و پس آزمون نسبت به پسران کمتر است.

طبق جدول فوق، سطح معنی داری برای عامل جنسیت از ۰/۰۵ کمتر است، یعنی برنامه باعث شده از نظر خودپنداره بین دو گروه پسر و دختر تفاوت وجود داشته باشد. همچنین برنامه باعث نشده نمره خودپنداره در پیش آزمون و پس آزمون تغییر کند. اثر متقابل نیز معنی دار نیست بنابراین با اطمینان ۹۵ درصد می توان گفت: برنامه مداخله

جدول ۱ نشان می دهد که در پیش آزمون و پس آزمون، میانگین خودپنداره گروه آزمایش نسبت به میانگین گروه کنترل کمتر است. در حالیکه میانگین تاب آوری گروه آزمایش نسبت به کنترل بیشتر است.

طبق جدول فوق، سطح معنی داری برای همه اثرات از ۰/۰۵ بیشتر است، یعنی علاوه بر اینکه از نظر خودپنداره بین دو گروه کنترل و آزمایش تفاوت وجود ندارد، اجرای برنامه نیز باعث نشده نمره خودپنداره در پیش آزمون و پس آزمون تغییر کند. بنابراین با اطمینان ۹۵ درصد می توان گفت: برنامه مداخله ای ویژه کودکان طلاق باعث ایجاد تفاوت خودپنداره در کودکان گروه آزمایش در مقایسه با گروه کنترل نمی شود.

طبق جدول فوق، سطح معنی داری برای اثر عامل بین گروهی از ۰/۰۵ بیشتر است، یعنی برنامه باعث نشده از نظر تاب آوری بین دو گروه کنترل و آزمایش (بدون توجه به زمان) تفاوت ایجاد شود. اما سطح معنی داری برای عامل زمان برابر با ۰/۰۰۱ و از ۰/۰۵ کمتر است، بنابراین برنامه باعث شده نمره تاب آوری در پیش آزمون و پس آزمون تغییر کند. همچنین سطح معنی داری برای اثر متقابل برابر با ۰/۰۰۰ و از ۰/۰۵ کمتر است، بنابراین برنامه در پیش آزمون و پس آزمون تاثیرات متفاوتی دارد. این برنامه

ای ویژه کودکان طلاق باعث ایجاد تفاوت خودپنداره در کودکان دختر در مقایسه با کودکان پسر نمی شود. طبق جدول فوق، سطح معنی داری برای اثر عامل بین گروهی از ۰/۰۵ بیشتر است، یعنی برنامه باعث نشده از نظرتاب آوری بین دو گروه پسر و دختر (بدون توجه به زمان) تفاوت ایجاد شود. اما سطح معنی داری برای عامل زمان برابر با ۰/۰۰۸ و از ۰/۰۵ کمتر است، بنابراین برنامه باعث شده نمره تاب آوری در پیش آزمون و پس آزمون تغییر کند. همچنین سطح معنی داری برای اثر متقابل برابر با ۰/۰۴۱ و از ۰/۰۵ کمتر است، بنابراین برنامه در پیش آزمون و پس آزمون تاثیرات متفاوتی دارد. این برنامه در پس آزمون نمره دختران را افزایش داده است اما نمره پسران تغییر چشمگیری نداشته است. بنابراین با اطمینان ۹۵ درصد می توان گفت: برنامه مداخله ای ویژه کودکان طلاق باعث تغییر تاب آوری در کودکان دختر در مقایسه با کودکان پسر می شود.

نتیجه گیری و بحث

یافته های پژوهش حاضر نشان می دهد که اجرای برنامه مداخله ای ویژه کودکان طلاق تاثیری در تغییر خودپنداره این کودکان ندارد. حسینی یزدی و مشهدی (۱۳۹۲) نیز در پژوهش خود با اجرای همین برنامه روی کودکان ۸ تا ۱۲ ساله در خانواده های طلاق موفق به تغییر خودپنداره این کودکان نشدند. ولی آلپرت گیلیس، پدر و کارول و کوئن (۱۹۸۹) در پژوهشی که بر روی ۵۲ کودک طلاق پایه دوم و سوم دبستان انجام دادند دریافتند که کودکانی که طرح برنامه مداخله ای ویژه کودکان طلاق را دریافت کرده اند، احساسات مثبت تر و بهتری نسبت به خود و خانواده خود دارند. این محققان خاطر نشان می کنند که همچنانکه کودکان در طی این برنامه یاد می گیرند به طور موثرتری با مشکلات مواجه شوند و بر آن ها کنترل پیدا کنند، احساس مهارت، توانمندی و خودکارآمدی بیشتری در

خود می یابند که باعث بهبود خودپنداره و عزت نفس می شود. همچنین، استراچ^۱ (۱۹۹۱) در مطالعه خود بر روی ۳۲ کودک طلاق سن دبستان بیان می کند که خشم نسبت به والدین و اطرافیان، افسردگی و خودسرزنشگری و احساس گناهی که در کودکان در خانواده های طلاق رایج است منجر به عزت نفس پایین می شود. این کودکان خشم خود را فرو می خورند و به درون باز می گردانند که این نیز منجر به نارضایتی کودک از خود و خودپنداره ضعیف وی می شود. در مطالعه دیگری که بر روی کودکان در خانواده های طلاق پایه های دوم و سوم دبستان صورت گرفت، کونولی^۲ و گرین^۳ (۲۰۰۸) نشان دادند که کودکان شرکت کننده در برنامه مداخله ای ویژه کودکان طلاق، در مقایسه با گروه کنترل، احساسات مثبت تری نسبت به خود، خانواده و توانمندی های خود دارند. بنظرمی رسد در تبیین موثر نبودن اجرای این مداخله در تغییر خودپنداره کودکان خانواده های طلاق بتوان به پژوهش کلارا اورلند^۴ و دیگران (۲۰۱۳) اشاره کرد که در مطالعه خود روی ۸۰ کودک دبستانی در خانواده های طلاق دریافتند هر مداخله ای جهت بهبود خودپنداره وقتی اثربخش است که کودک، همزمان حمایت های اجتماعی ویژه ای از محیط اطراف، خویشاوندان و نهادهای آموزشی مرتبط با وی مثل مدرسه دریافت کند. اینان اعلام کردند اگر کودک در برنامه مداخله ای و شناختی بتواند نسبت به خود، نگاه ارزشمندی بیابد ولی افرادی که با وی تعامل دارند همچنان نسبت به پدیده طلاق و او که بازمانده طلاق است نگاهی متفاوت داشته باشند، کودک دچار تعارض شناختی، بازگشت به خودپنداره نامناسب و بی کفایت خواهد شد.

تفاوت معنادار بین میانگین نمرات گروه های کنترل و آزمایش در مولفه تاب آوری نشان داد که اجرای برنامه مداخله ای ویژه کودکان طلاق باعث افزایش تاب آوری در کودکان در خانواده های طلاق می شود. نتایج چندین پژوهش از این یافته حمایت می کند. پدر و کارول، ساتون^۵

4- Klara Overland

5-Sutton

1-Strauch

2-Connolly

3-Green

طلاق و برنامه های مشابه آن ، عوامل حمایتی و منابع در دسترس فرد را تقویت می کنند و با ایجاد محیطی حمایتگر و آموزش مهارت های مقابله ای به افزایش توانمندی کودکان برای مقابله با چالش های خانوادگی و ارتقای تاب آوری آن ها کمک می کند.

پدروکارول و آلپرت گیلیس در پژوهش نیمه آزمایشی خود اثرات مثبت برنامه مداخله ای ویژه کودکان طلاق را بر افزایش توانمندی، سازگاری و تاب آوری کودکان در خانواده های طلاق شهری پایه های پنجم و ششم دبستان نشان دادند (پدروکارول و آلپرت گیلیس، ۱۹۹۷، ص ۲۰). همسو با نتایج فوق کویینی^۵ و فوتس^۶ (۲۰۰۳) ، ولچیک^۷ ، اسنک^۸ و ساندلر^۹ (۲۰۰۹) ، پدروکارول و جونز^{۱۰} (۲۰۰۲) نیز در پژوهش های خود نشان دادند که شرکت کودکان در خانواده های طلاق در برنامه های مداخله ای و پیشگیریانه گروهی که توانمندی ها و منابع حمایتی آن ها را افزایش می دهد باعث ارتقای سازگاری اجتماعی، هیجانی و تاب آوری آن ها در طی زمان می شود.

پژوهش حاضر نشان داد اجرای برنامه مداخله ای تاب آوری و سازگاری دختران را بیشتر از پسران افزایش داد . این یافته همسو با نتایج پژوهش استراچ (۱۹۹۱) می باشد . این محقق در مطالعه ای دریافت دخترانی که در برنامه مداخله ای ویژه کودکان طلاق شرکت داشتند مشکلات رفتاری و رفتارهای نامناسب اجتماعی آنها کاهش بیشتری نسبت به پسران داشت و نیز بخاطر بهبود مهارتهای اجتماعی و افزایش تحمل ناکامی ، تاب آوری آنها نسبت به پسران افزایش بیشتری داشت (استراچ، ۱۹۹۱، ص ۱۰۲). همچنین فولادچنگ (۱۳۸۵) نیز در پژوهش خود، نقش جنسیت را در سازگاری معنادار اعلام کرد بدین صورت که دختران ، در مطالعه تاثیر نقش الگوهای خانوادگی ، سازگاری بیشتری در مقایسه با پسران نشان دادند.

و ویمن^۱ (۱۹۹۹) اثربخشی برنامه مداخله ای ویژه کودکان در خانواده های طلاق را بر تاب آوری بررسی کردند و ثبات این نتایج را برای یک مدت دوساله نیز پیگیری نمودند. نتایج این مطالعه همسو با پژوهش حاضر است. این محققان نشان دادند که برنامه مداخله ای ویژه کودکان در خانواده های طلاق مهارت های ویژه ای را به کودکان آموزش می دهد که تاب آوری و سازگاری روانی آن ها را در طی زمان افزایش می دهد (پدروکارول و دیگران، ۱۹۹۹، ص ۴۷۰). پدروکارول (۲۰۰۵) نیز در مطالعه دیگری نشان داد که اجرای برنامه مداخله ای ویژه کودکان طلاق بر روی کودکان در خانواده های طلاق سن دبستان شهری، آن ها را به اطلاعات مفید و منابع مقابله ای موثری مجهز می کند که می توانند با استفاده از مهارت های تازه کسب شده خود سازگاری و در نتیجه تاب آوری خود را در شرایط بحرانی مانند شرایط طلاق افزایش دهند. در همین راستا نیز مطالعه الدارآویدان^۲ ، حاج یحیایی^۳ و گرینبام^۴ (۲۰۰۹) نیز نتایجی مشابه با پژوهش حاضر دارد. در این پژوهش این محققان خاطر نشان کردند که روابط صمیمانه و اجتماعی، محیط های حمایتی و روابط مناسب با والدین از منابع تاب آوری شمرده می شوند. لذا برنامه های مداخله ای و پیشگیریانه ای که در قالب گروهی و بلندمدت اجرا می شوند و تاکید بر بهبود روابط یکی از ابعاد اصلی آن ها می باشد تاثیر بسزایی در افزایش تاب آوری و کاهش آسیب پذیری نسبت به مشکلات دارد. برنامه مداخله ای ویژه کودکان طلاق یکی از برنامه هایی است که شرایط مذکور را داراست و با ایجاد محیطی حمایتگر و صمیمانه و آموزش مهارت های حل مسئله اجتماعی منجر به ارتقای تاب آوری کودکان در خانواده های طلاق می شود. همسو با نتایج پژوهش الدارآویدان، پدروکارول (۲۰۱۱) نیز در مطالعه ای بیان می کند که مداخلات پیشگیریانه مانند برنامه مداخله ای ویژه کودکان

6-Fouts
7-Wolchik
8-Schenck
9-Sandler
10-Jones

1-Wyman
2-Eldar-Avidan
3-Haj-Yahia
4-Greenbaum
5-Quinney

شده با آسیب روانی . پژوهشهای روانشناسی بالینی و مشاوره دانشگاه فردوسی مشهد ، ۱ ، ۵-۱۴ .

- عبدی، محمدرضا و پورابراهیم، تقی و نظری، علی محمد . (۱۳۹۲) . تاثیر برنامه مداخله ای کودکان طلاق بر میزان سازگاری آنها با طلاق والدینشان. فصلنامه خانواده پژوهی ، ۹ ، ۳۵ ، ۳۴۳-۳۵۹ .

- فولاد چنگ، محبوبه. (۱۳۸۵) . نقش الگوهای خانوادگی در سازگاری نوجوانان. فصلنامه خانواده پژوهی دانشگاه شهید بهشتی ، ۲ ، ۷، ۲۰۹-۲۲۱ .

- کریمی ، حسن . (۱۳۷۵) . بررسی و مقایسه خودپنداره کودکان پرورشگاهی و غیرپرورشگاهی ، پایان نامه کارشناسی ارشد منتشر نشده ، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی ، دانشگاه فردوسی مشهد .

- مرکز آمار ایران (۱۳۹۱) . سالنامه آماری کشور. تهران : انتشارات مرکز آماری ایران .

- نجاتی ، مسعود. (۱۳۹۰) . مولفه های شخصیتی کودکان طلاق شهرتهران . مرکز پژوهش های سازمان بهزیستی کشور .

- ویزه فیاض، اوزولا؛ مرادی ، شهرام ؛ فدایی، زهرا و حبیبی عسکری آبادی ؛ مجتبی . (۱۳۸۷) . بررسی مقایسه ای شیوع کودک آزاری در دانش آموزان مقطع متوسطه برحسب جنس، مقطع تحصیلی و سابقه طلاق در خانواده. فصلنامه خانواده پژوهی دانشگاه شهیدبهشتی ، ۴ ، ۱۴ ، ۱۶۵-۱۴۵ .

- یزدخواستی، حامد ؛ منصور، نادر ؛ زاده محمدی، علی و احمدآبادی ، زهره . (۱۳۸۷) . بررسی احساس تمایل و تقصیر با استرس، افسردگی و اضطراب متقاضیان طلاق . فصلنامه خانواده پژوهی دانشگاه شهیدبهشتی، ۴ ، ۱۵ ، ۲۶۳-۲۷۵ .

- Alpert-Gillis , L. J & Pedro-Carroll, J. L. (1997) . Preventive interventions for children of divorce: A developmental model for 5 and 6 year old children . Journal of Primary Prevention, 18,1,5-23.

- Amato, P. R. (2000) . The consequences of divorce for adults and children . Journal of Marriage and the Family , 62,1269-1287.

- Amato , P. R. (2001). Children of divorce in the 1990s: An update of the amato and keith (1991) meta-analysis. Journal of Family Psychology , 15,355-370.

- Amato , P. R., & Keith , B. (1998) . Consequences of parental divorce for the well-

کمپل^۱ ۱۹۹۵ به نقل از ویزه و همکاران(۱۳۸۷) می نویسند: استرس های تحمیل شده توسط کودکان طلاق همراه با شرایط دشوار محیطی سبب میگردد که این والدین نسبت به بحرانهای موجود بسیار آسیب پذیر بوده و جهت تخلیه و آزادسازی محرومیت فزاینده خود نسبت به کودکان خشونت ورزیده و یانسیب به نیازهای جسمانی و عاطفی آنها بی توجه شوند. همچنین تحقیقات متعددی از جمله پژوهش والراشتاین^۲ و کلی^۳ (۱۹۸۰) نشان دادند افرادی که طلاق گرفته اند اغلب در مورد بچه های خود احساس گناه می کنند . لذا انتظار می رود والدین نیز تحت آموزش های شناختی قرار بگیرند که منجر به افزایش خودپنداره آنان گردد (یزدخواستی، منصور، زاده محمدی و احمدآبادی، ۱۳۸۷، ص ۲۷۲). در نتیجه پیشنهاد میشود پژوهشگران بعدی، تاثیر برنامه های مداخله ای دیگری را در جهت افزایش سازه تاب آوری و خودپنداره والدین نیز بررسی کنند.

منابع

- اسدی ، محمد . (۱۳۷۴) . هنجاریابی از مومن خودپنداره پیرزهریس در استان کرمان . شورای پژوهشهای آموزش و پرورش .

- بیات مختاری، لیلا و اخوان تفتی، مهناز. (۱۳۸۷) . بررسی تاثیر نگرش والدین بر خودپنداره و رشد اجتماعی کودکان دارای ناتوانی یادگیری . تعلیم و تربیت استثنایی ، ۸۶ ، ۳-۱۴ .

- حسینی یزدی ، فاطمه و مشهدی ، علی. (۱۳۹۲) . اثر بخشی برنامه ی مداخله ای ویژه کودکان طلاق (codip) بر خودپنداره و کاهش مشکلات برونی - درونی سازی شده کودکان . پایان نامه کارشناسی ارشد منتشر نشده ، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی ، دانشگاه فردوسی مشهد .

- زارعی ، حسین . (۱۳۹۱) . قربانیان طلاق . تهران : دفتر نشر فرهنگ اسلامی .

- سید محمودی ، جواد و رحیمی ، چنگیز و محمدی ، نوراله . (۱۳۹۰) . عوامل موثر بر تاب آوری در افراد مواجه

of divorce: A developmental model for 5 and 6 year old children .Journal of Primary Prevention, 18,1,5-23.

- Pedro-Carroll, J. L., & Alpert-Gillis , L. J., & Cowen , E. (2008).An Evaluation of the efficacy of a preventive intervention for 4-6 grade urban children of divorce . The Journal of Primary Prevention , 13,2,115-130.

- Pedro-Carroll, J. L., Sutton , J. L.,& Wyman, P. A. (1999). A two-year follow-up evaluation of a preventive intervention for young children of divorce: School of Psychology Review, 28,3,467-476.

- Pedro-Carroll, J. L., & Jones, S.(2002). Fostering children`s resilience divorce after : A play-based preventive intervention. Children`s Institute, University of Rochester,20-21

- Pedro-Carroll, J. L.(2005). Fostering resilience in the aftermath of divorce: The role of evidence-based programs for children .Family Court Review, 43 ,52-64.

- Pedro-Carroll,J.A.(2011). How Parents Can Help Children Cope With Separation/Divorce . Encyclopedia on Early Childhood Development.

- Quinney , D.M., Fouts , G.T. (2003). Resilience and Divorce Adjustment in Adults Participating in Divorce Recovery Workshops . Journal of Divorce and Remarriage , 40, 55-68 .

- Strauch , G.L. (2001) . Ethnicity and Treatment Schedule: A Study of the Children of Divorce Intervention Program . A Dissertation Presented to the Faculty of the Graduate School of Psychology , Fuller Theological Seminary .

- Wolchik,S.A. , Schenck, C.E. , and Sandler, I.N . (2009) .Promoting Resilience in Youth From Divorced Families: Lessons Learned From Experimental Trials of the New Beginnings Program .Journal of Personality. 77, 1833-1868.

being of children : A meta- analysis . Psychological Bulletin, 110,26-46.

- Connor, K. M., & Davidson, J. R. (2003). Development of a new resilience scale: The Connor- Davidson Resilience Scale (CD-RIS). Depression and Anxiety, 18, 76-82.

- Connolly , M.E. , Green , E.J. (2008). Evidence-Based Counseling Intervention with Children of Divorce : Implications for Elementary School Counselors . John Hopkins University Press .

- Carbonell, D. M., Reinhertz, H. Z., Giaconia, R. M., Stashwick, C. K., Paradis, A. D., & Beardslee, W. R.(2002). Adolescent protective factors promoting resilience in young adults at risk for depression. Child and Adolescent Social Work Journal, 19, 393-412.

- Diehl , M. Hay, E(2010) . Risk and resilience factors in coping with daily stress in childhood: the role of age, self-concept incoherence, and personal control. Publication: Developmental psychology, 2010 Sep; 46(5): 1132-46

- Eldar-Avidan, D. , Haj-Yahia, M.M. , and Greenbaum , C.W. (2009). Survival, and Vulnerability : Young Adults` Perception of the Implications of Parental Divorce . Journal of Marital and Family Therapy , 35, 30-46.

- Gordon, K. (2011). Resilient Hispanic youths` self-concept and motivational patterns. Hispanic Journal of Behavioral Sciences, 18, 63-73.

- Guidubaldi , J., Cleminshaw , H. K., Perry, J. D., & Mcloughin , C. S. (2010) . The impact of parental divorce on children : Report of the nationwide NASP study . School Psychology Review ,12 ,300-323.

- Klara Overland; IngunnStorksen; Arlene ArstadThorsen (2013) .Daycare Children of Divorce and Their Helpers . : New York, International Journal of Early Childhood ؛ v45 n1 p51-75

- Linda, J., Alpert-Gillis, L., Pedro-Carroll,J.L. , Emory L., Cowen (2007).The children of divorce intervention program:Development , Implementation , and Evaluation of a program for young urban children. Journal of Consulting and Clinical Psychology , 57,5,583-584

- Pedro-Carroll, J. L., & Alpert-Gillis , L. J. (1997) . Preventive interventions for children

Quarterly Journal of Educational Psychology

Islamic Azad University Tonekabon Branch

Vol. 6, No. 2, summer 2015, No 22



Journal of Educational
Psychology

The Effectiveness of CODIP on Improvement of Self-concept and Enhancement of Resilience in Children of Divorce

Ali Mashhadi¹, S.Atefe Hosieni Yazdi^{2*}, Zahra Asemi³, S.Ali Kimyaie⁴

1) Associate Professor of Educational Psychology, Firdausi Mashhad University, Mashhad, Iran

2) M.A of University of Psychology, Payam-e-noor University, Kashmar, Iran

3) Ph.D. Student of Psychology, Payam-e-noor University, Tehran, Iran

4) Associate Professor of Educational Psychology, Firdausi Mashhad University, Mashhad, Iran

*Corresponding author: s_a_hoseini_y@yahoo.com

Abstract

Divorce is one of the most stressor events in children and parents life. Divorce is a major changes and reorganization in life that influence on children`s adjustment The main purpose of this study was to investigate the effectiveness of Children of Divorce Intervention Program on improvement of self-concept and enhancement of resilience in 10-12 years old children of divorce. For this purpose , 25 children that com from divorced family were selcted and randomly assigned to experimental (N=13) and control (N=12) groups .After 15 sessions of CODIP SEARS and CSCS in pre-post test format admistrated. analyze of data indicated that CODIP result in no change in children of divorce`s self-concept , whereas influences their resilience .females have more enhancment of resilience in comprison with male. .Attention to group programs and training of problems solving skills is important for divorce children.

Key words: CODIP,Self-concept , Resilience , Children of divorce.
